

اوضاع آذربایجان در زمان اشغال به روایت اسناد

زهرا کشاورز قاسمی

اکرم جانی

مقدمه

آذربایجان در طول تاریخ همواره منشأ بسیاری از تحولات در ساختار سیاسی – اجتماعی ایران بوده است. با توجه به حساسیت منطقه آذربایجان و نقش استراتژیک آن در عرصه سیاسی ایران و هم – چنین نفوذ آن در ساختار قدرت سیاسی کشور در سده – های اخیر، هرگونه حادثه و اتفاقی در کشور بازتاب – های وسیعی را در آن منطقه بدنبال داشته است. بنابراین مرور خواسته – ها و نیازهای مردم آن منطقه و بررسی مشکلات آنان که به – صورت مکتوب به مرکز قانونگذاری و نمایندگان منتخب خود ارسال شده است، نگرش عمیقی بر اوضاع و احوال کلی منطقه و میزان عمق حوادث و رخدادهای سیاسی و اجتماعی داشته است. بر این اساس برآنیم که با بازخوانی اسنادی چند، مربوط به آذربایجان اوضاع و شرایط آن منطقه شناسایی گردد.

ایران در اشغال متفقین

حادثه شهریور ۱۳۲۰ خورشیدی و اشغال ایران توسط نیروهای متفقین یکی از مهمترین رویدادهای حوادث تاریخ معاصر ایران می باشد. دومین جنگ جهانی در حالی آغاز شد که رضاشاه تقریباً از سال ۱۳۱۰ خورشیدی روابط رو به رشدی را در عرصه های نظامی و غیرنظامی با آلمان سامان داده بود. آلمان به تدریج به مهمترین طرف تجاری ایران بدل شده بود و ایران اگرچه با شروع جنگ رسماً بی طرفی خود را اعلام کرده بود، اما شاه و اکثریت جامعه سیاسی ایران به پیروزی آلمان تمایل بیشتری داشتند. چه به دلیل روحیه ضد انگلیسی و چه به دلیل تبلیغات آریایی نازی ها. متفقین به حکومت ایران اخطار کردند که در صورتی که فعالیت های چند صد نفر مستشاران نظامی و غیر نظامی آلمان در ایران متوقف نشود، با موضوع برخورد جدی خواهند کرد. بی اعتنایی ایران نهایتاً به اشغال کشور، کناره گیری شاه از سلطنت و خروج او از کشور و جانشینی ولیعهد انجامید. اشغالگران، دولت ایران را عملاً وادار کردند تا منابع اقتصادی کشور را در اختیارشان بگذارد. آنها به کاهش ارزش پول کشور، انتشار اسکناس و اخذ وام از دولت برای انگلیس و شوروی اقدام کردند. کاتوزیان در مورد مجموع این اقدامات می نویسد: «دزدی مسلحانه ای بود از ملتی بسیار ضعیف و فقیر»^۱ افزایش تقاضای ناشی از حضور اشغالگران و چاپ اسکناس برای مخارج آنها موجب تورم اقتصادی شدیدی شد. تورم و وضع بد برداشت در سال ۱۳۲۱، بروز قحطی در بسیاری از مناطق کشور را باعث شد^۲ این دشواری های ناشی از جنگ، قیام کشاورزان و جنبش کارگری و نیز مطالبات اقوام مختلف را در پی داشت^۳ در مقابل اقتضای مانند صنعتگران بازاری و بازرگانان که در آمدشان ثابت نبود (برخلاف کارگران

^۱ کاتوزیان، محمد علی همایون، اقتصاد سیاسی ایران، از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، نشر مرکز، ۱۳۷۷، ص ۱۸۸.

^۲ کدی، نیکی آر، ریشه های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، انتشارات قلم، ۱۳۶۹، ص ۷۶.

^۳ معدل، منصور، طبقه، سیاست و ایدئولوژی در ایران، ترجمه محمد سالار کسرایی، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۲، ۴۶.

صنایع)، از افزایش تقاضا و تورم ناشی از جنگ سود قابل توجهی بردند.^۴ متفقین دست کم برای حفظ منافع خود، می‌خواستند برقراری نظم و قانون را تضمین کنند. همین امر موجب احیای حقوق و آزادی‌های اساسی عموم مردم شد، و در عین حال سبب گردید که طبقات بالاتر (برخلاف زمان رضاشاه) از نیروی اجتماعی-سیاسی زیادی برخوردار شوند. با از بین رفتن انحصارات دولتی در تجارت، بازرگانان نیز در این زمان توانستند تجارت داخلی و نیز بین‌المللی را در دست بگیرند و از ثروت خود برای کسب قدرت سیاسی استفاده کنند.^۵

در سالهای پس از جنگ، انحصارات و کنترل دولتی بر تجارت خارجی به دلیل اعمال نفوذ اشغالگران و فساد در گمرکات، اگرچه موجب افزایش توان اقتصادی تجار شد، اما این به معنی بهبود وضع اقتصادی کشور نبود، زیرا تجار بیشتر وارد کننده تولیدات خارجی بودند که ورشکستگی صنایع کارخانه‌ای و دستی را به‌همراه داشت. در این سالها دو ایدئولوژی متفاوت برای سامان دادن اقتصادی در کشور وجود داشت که نهایتاً تغییر موضع قوام در پی فشار مخالفان گسترش سوسیالیسم و همچنین نزدیک شدن قوام به آمریکا موجب تدوین برنامه هفت ساله اول توسط مشاوران آمریکایی شد، با این امید که تراکم سرمایه در دست سرمایه‌داران رونق اقتصادی را در پی داشته باشد، در این برنامه هیچ توجهی به تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی نشده بود.^۶

تبریز در دوره اشغال

در دوره جنگ، ایران با مشکلات فزاینده اقتصادی، از سر گرفته شدن مباحث و فعالیت‌های سیاسی و آغاز دوباره فشارهای سیاسی خارجی رو به رو بود. ایران همانند جنگ جهانی اول مشکلات عظیم اقتصادی را تجربه کرد و در زندگی روزمره مردم جابه جایی و تغییراتی پدید آمد. نیروهای شوروی در شمال و انگلیس در جنوب و مشاوران آمریکایی در خدمت دولت و ارتش ایران در تهران بودند و ایران به صورت خط تدارکاتی شوروی درآمد. تمام جمعیت ۱۵ میلیونی ایران در جنگ جهانی دوم با مشکلات عظیمی رو به رو بود، ایران صحنه مداخله نیروهای متفقین و خط تدارکاتی آذوقه و مهمات به شوروی شد. متفقین قول داده بودند که برای مردم ایران تا حد امکان مشکلی به وجود نیاورند اما بخشهای کلیدی اقتصادی از قبیل کشاورزی، صنعت، خدمات، بازرگانی خارجی، بودجه دولت و سطح زندگی بر اثر اشغال، شدیداً آسیب دید.

در تبریز اولین خبر ورود نیروهای شوروی و انگلیس به پایتخت توسط رادیو دهلی اعلام شد. این خبر در تبریز اثر عجیب و غریبی داشت. گویی خاک مرگ و یاس و ناامیدی به شهر پاشیده بودند زیرا پایتخت (تهران) در ولایات ابهت خاصی داشت و به طوریکه تاریخ ایران نشان می‌دهد هر وقت پایتخت در مقابل دشمنان مقاومت کرده دلیلی بر استقلال و قدرت حکومت بوده است.

در این ایام وضع تبریز خیلی آشفته و درهم و برهم بود شبی نبود که قتل و سرقت اتفاق نیفتد. دزدها که از زندان خلاصی یافته و اسلحه نیز به دست آورده بودند دسته جمعی و بصورت مسلحانه به خانه‌های مردم ریخته از دیوارها و پشت بامها بالا می‌رفتند. به علت نبودن پاسبان کافی، اهالی محله جمع شده و یک عده از جوانان، امنیت شهر و محله خود را به دست گرفته بودند.^۷

اقتصاد در آذربایجان مانند بیشتر قسمت‌های دیگر ایران به رکود فوق‌العاده دچار شد. در زمانی اندک کالاهای اساسی با کمبود کلی روبه رو شد و این امر به تنگسالی و شیوع بیماری همه جا گیر منجر شد. به زودی از دی ماه ۱۳۲۰ کمبود فاجعه آمیز نان در شهر تبریز که در آن هنگام جمعیتی ۲۲۰ هزار نفره داشت رخ نمود. گرچه نان غذای عمده و روز مره محلی بود، نانواها مجبور شدند سبب زمینی را به جای نان بفروشند. استاندار و روسای ادارات دولتی تبریز در این مدت که امور شهر از هم پاشیده شده بود در این روزهای تاریک، شهر را به حال خود رها کرده و فرار را بر قرار ترجیح دادند، حتی پاسبان‌ها نیز پاسبانی شهر را ترک گفته بودند.^۸

^۴ . کدی، همان، ص ۱۸۰ و ۱۹۷

^۵ . کاتوزیان، محمد علی همایون، مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران، ترجمه فرزانه طاهری، نشر مرکز، ۱۳۷۲، ص ۵۸.

^۶ . کدی، پیشین، ۲۰۲.

^۷ . خاماچی، بهروز، آتش بر فراز تبریز، تبریز، نشر ایران ویج، ۱۳۷۱، ص ۲۷۱.

^۸ . اتابکی، تورج، آذربایجان در ایران معاصر، ترجمه مجید کریم اشراق، تهران، توس، ۱۳۷۶، ص ۹۷.

از طرف کماندانی شوروی یک عده سرباز شوروی در هر محله گذاشته شده و همراه آنها چند نفر از خود محلات انتخاب و شبها به محافظت منازل مردم مشغول بودند. البته در بین این افراد عده-ای دزد کلاش نیز وجود داشتند که خود را سمپاتیزان نیروی شوروی معرفی کرده بودند مرتکب برخی اعمال پست شده و شبها به نام اینکه با نیروی شوروی در محافظت شهر کمک نمایند به منازل مردم رفته و اسباب زحمت را فراهم کردند. چنانچه دسته جمعی با افرادی شب و روز به اخاذی می پرداختند. این افراد مجهول‌الیهویه بنام نیروی سرخ وارد منازل می شدند. تمامی زندانیان نیز از زندان آزاد شدند زندانیان سیاسی که اغلب به جرم مسلک کمونیستی سالها در زندان بازداشت بودند.^۹

در طی اشغال ایران، برای اولین بار در تبریز و شاید در سراسر ایران، تهیه ارزاق عمومی و خواروبار مصرفی مردم، به وسیله کوپن انجام گرفت. البته جیره بندی مواد غذایی و رواج کوپن در ایران سابقه نداشت. این مسئله از این جا حاکی بود که پس از پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ میلادی، شوروی به علت وجود جنگ داخلی و انقلاب، شرکت روسیه در جنگ جهانی اول کارشکنی کرد و با مبارزه طبقه ارباب و فئودال زمیندار روسی با بلشویک ها، مواد غذایی به شدت دچار کمبود شد و روسیه را قحطی گرفت. شوروی تصمیم گرفت مواد مصرفی و ارزاق عمومی را جیره بندی کرده و سیستم کوپنی را برقرار سازد. در ایران هم مبتکر و مروج این سیستم شخص سید محمد تدین وزیر خواروبار دولت سهیلی بود. وقتی کوپن در ایران بویژه در تبریز رواج یافت بازار سیاه و قاچاق و در نهایت خرید و فروش کوپن به وجود آمد. تعدادی از مردم شهر به داد و ستد کالای قاچاقی و کوپنی روی آوردند دسته های کوپن که به صورت یک ماهه منتشر می شد دست به دست می گشت.^{۱۰}

سه عامل مهم دست به دست هم داده و مردم ستمدیده تبریز را در نهایت تنگدستی و پریشانی قرار داد:

۱. غارت محصولات کشاورزی و مواد غذایی مصرفی مردم توسط نیروی شوروی و انتقال آنها به خاک شوروی برای مصرف مردم در حال جنگ آن دولت.
۲. به علت جنگ و بسته شدن راه اروپا به ایران، ورود لوازم یدکی کارخانجات و مواد اولیه صنعتی دچار اشکال گردید و اکثر کارخانجات تبریز تولید داخلی خود را از دست دادند.

۳. احتکار مواد غذایی توسط سرمایه داران و افراد خائن مملکت بود که در بدترین شرایط تاریخی، ارزاق عمومی را در انبارها ذخیره کرده به بهای صدها برابر گرانتتر به مردم فلک زده و بیچاره این مملکت می فروختند در نتیجه مردم تبریز و آذربایجان دچار قحطی و کمبود شدند که این قحطی ارزاق را طبقه محتکر با استفاده از شرایط خاص کشور در زمان جنگ بوجود آورد. از کالاهایی که پس از نان مورد مصرف تبریز بود باید از قند و شکر نام برد. قند به قدری گران شد که غیر از طبقه اعیان و اشراف و سرمایه دار کسی قدرت خرید آن را نداشت. مردم بیچاره به جای قند اقدام به خرید کشمش و خرما و سبزه نموده آن را مصرف میکردند.^{۱۱}

در این اوضاع و احوال، دولت وقت برای ساکت کردن احساسات مردم و کم کردن فشار به طبقه فقیر و محروم دستور داد اموال چند محتکر را مصادره و در ابتدای بازار تبریز بساط پهن کردند و ارزاق عمومی نظیر لپه و اقسام خواربار را در کنار پیاده-رو ریخته و توزیع کردند، البته این مصادره-ها و جریمه-ها فقط جنبه ظاهری داشت و پس از یکی دو هفته مجدداً احتکار و گرانی آغاز شد.
در جریان برقراری کوپن بسیاری از ماموران دولتی به نان و نوایی رسیدند و با گرفتن حق حساب و رشوه اجازه دادند تا محتکرین و انبار داران مردم را هر چه می-توانند بچاپند. تعدادی نیز الواط، باج بگیر و گردن کلفتان، پادوهای سرمایه داران و دلالان در مسیر دادو ستد کوپن و بازار سیاه و قاچاق فروش به ثروت مناسبی دست یافتند و دولت زبون وقت نیز نظاره -گر صحنه-های تکان دهنده بود. و آنکه هر روز بیچاره -تر و مفلوک-تر می شد مردم محروم و ستمدیده و اقشار پایین اجتماع بود.^{۱۲}

^۹. خاماچی، بهروز، آتش بر فراز تبریز، تبریز، نشر ایران ویج، ۱۳۷۱، ص ۲۵۹.

^{۱۰}. بهروز خاماچی، اوراق پراکنده تبریز، تبریز، نشر مهد آزادی، ۱۳۷۲، ص ۳۲۲.

^{۱۱}. خاماچی، همان، ص ۳۲۴.

^{۱۲}. خاماچی، بهروز، اوراق پراکنده تبریز، تبریز، نشر مهد آزادی، ۱۳۷۲، ص ۳۲۵.

معضلات و فشارهای اقتصادی به تدریج در صحن مجلس مطرح شده و مایه انتقاد و حملات مجلس به دولت می - شد. برخی از نمایندگان مجلس به دلیل همدردی با مردم، برخی از روی فرصت - طلبی و گروهی به انگیزه حمله به دولت، در نطق های خود وضع بد اقتصادی، کمبودهای و گرانی را دستمایه حمله به دولت قرار می - دادند.^{۱۳}

نتیجه

حضور نیروی بیگانه و مداخلات آشکار و نهان این نیروها در اوضاع و احوال اقتصادی ایران، شرایط نابسامانی را برای کشور به ارمغان آورد. همان طور که ذکر شد، هرج و مرج اقتصادی، تورم، بیکاری، فحطی، چاپ بی - رویه و بی - پشتوانه اسکناس، استفاده از راههای ارتباطی، غارت بیش از پیش نفت، خرید ارزان و اجباری مواد غذایی و کشاورزی از روستائیان و صدور آن برای جبهه - های جنگ متفقین و در نهایت، فروش کالاهای صنعتی و مصرفی خارجی به بهاء گران از جمله پیامدهای اقتصادی منفی اشغال نظامی ایران است که ملت را بیش از پیش آزرده خاطر کرد.

بررسی این مقطع تاریخی کشور نشان می - دهد که بخش زیادی از نابسامانی - های این سال - ها متأثر از سیاست - های غلط دوران رضاشاه است. عدم پیشبرد صحیح کشاورزی و صنعت، اتخاذ الگوی جایگزینی واردات در اقتصاد و صنعت، برقراری انحصارهای دولتی غیرلازم و زیان - آور، مالیات - های سنگین، تصرف حاصلخیزترین زمین - های کشور و استثمار بی - رحمانه دهقانان به زور شکنجه و شلاق، پایین آوردن نرخ حقیقی لیره، و در سال - های بعد از شروع جنگ جهانی دوم، دشواری - های مربوط به صدور کالاهای داخلی و ورود کالاهای خارجی مورد احتیاج عموم، موجب بالا رفتن هزینه زندگی و کمیابی ارزاق و میحتاج عمومی چون نان، قند و شکر در طول جنگ جهانی دوم گردید. شدت کمبودها به حدی بود که دولت قوام السلطنه نیز که در اواسط مرداد ماه ۱۳۲۱ ه - ش با هدف حل مشکل نان مردم به نخست وزیر منصوب شد، ناتوان از حل این مشکل با بلوای ساختگی نان در ۱۷ و ۱۸ آذر ۱۳۲۱ ه - ش روبه رو گردید و در رقابت با ارتش و شاه در بهمن همان سال تن به استعفا داد.

به لحاظ اجتماعی، جنگ جهانی دوم شکاف موجود بین توده های محروم و افراد ممتاز و ثروتمند را عمیق نمود و به ظهور اقشار جدید کمک کرد. جنگ باعث شد تا بعضی از افراد طبقات بالا و متوسط جامعه که با کالا و اعتبار سروکار داشتند فرصت های مناسب جدیدی برای سود بردن به - دست آوردند، اما به افراد طبقات پایین و کسانی که درآمد ثابت داشتند لطمه زد. جنگ همچنین عامل تسریع سیر شهرنشینی شد، گروه - های بزرگتری از تجار، متخصصین و سایر کسانی که در خدمات شهری برای متفقین مشغول بودند، علاوه بر این بر حجم طبقه کارگر نیز افزوده شد زیرا راه - های جدید، عملیات ساختمانی و توسعه مناطق نفت خیز و پالایشگاه ها همگی نیاز به کارگر را افزایش می - داد. بروز اختلال در امور اقتصادی و مالی حکومت به ویژه در نظام بودجه - بندی موجب افزایش بی - رویه هزینه - های جاری به جای هزینه - های عمرانی گردید. اکثر شرکت - ها و کارخانجات دولتی نیز در زمان جنگ با زیان فعالیت می - کردند و لذا دولت مجبور بود که برای کسری پرداخت - های آنها پول در اختیارشان بگذارد. کمبود تکنسین خارجی و مشکلات ناشی از تعویض قطعات ماشین - آلات و مدیریت ناشیسته در بسیاری از موسسات دولتی به کاهش تولیدات کارخانه - ای و یا تعطیل آنها انجامید.

در حالی که در دهه ۱۳۲۰ خورشیدی بخش وسیعی از جامعه فقیر و دچار سوءتغذیه و ژنده - پوش بودند، ظهور مقاطعه - کاران به عنوان قشر جدیدی از سرمایه - داران از جمله پیامدهای وضعیت جدید بود. مقاطعه کاران با مشارکت در پروژه های کوچک و بزرگ متفقین به ویژه انگلیسی - ها توانستند از طریق استخدام نیروی کار، تهیه مصالح و وسایل حمل و نقل و انجام فعالیت های تدارکاتی و ... سودهای زیادی را عاید خویش سازند و در هرم قدرت اقتصادی و اجتماعی منزلت ویژه - ای برای خود دست و پا کنند که تا اواخر سال ۱۳۴۲ خورشیدی کماکان ادامه داشته باشد.

۲۱/۲/۲۹

ریاست محترم مجلس شورای ملی

حترماً به عرض عالی می‌رساند، پس از واقعه شهریور ماه که تمام مملکت ایران داخل مراحل دگرگونی شد؛ از هر نقطه ایران سوانح انقلاب و انحلال نظم و آرامش می‌رسید. اهالی استان کاغذکنان که دارای یک صد و شصت پاره قراء معظم می‌باشد و متصدی به اشرار و انقلابیون خلخال بوده[اند] و پیوسته مورد تهدید قرار گرفته بودند، بر اثر جدیت و دولت‌خواهی ساکنین ابداً به زیر تحمیلات آنها نرفته، قدمی به سوی خیانت و ضرر مملکت برنداشته[اند] و با دست‌داشتن اسلحه‌های ماخوژی از گروهان امنیه زنجان نگذاشتیم احدی تخطی به محوطه کاغذکنان و حدود خمسه بکند. و سراپا اولیای امور را با عرض عرایض و مخابره تلگرافات از جریان امر مطلع و استمداد نمودیم. اولیای محترم نیز کمکی بی‌اندازه دادن تعدادی تفنگ از امنیه زنجان نموده موکول به جدیت خود اهالی نمودند. در حالی که اشرار روز به روز تقویت و تجری حاصل میکرد. چنانچه گروهان امنیه خلخال را منحل[کرده] و امنیه اردبیل را تهدید میکردند. با این حال نتوانسته دست تعدی بر کاغذکنان دراز گشته. البته آن وقت هر کسی میتوانست انقلاب و اختلافی برپا گشته. ولی با ملاحظه وطن‌دوستی به دولت‌خواهی کاغذکنان کوچکترین اقدامی بر علیه دولت و برضد ملت نمودند. از جمله ساکنین این سامان یکی فدوی سلیمان اصلانیان هستم که از همه بیشتر در نزدیکی اشرار واقع و از همه زیادتر در جلوگیری جان‌فشانی نموده‌ام. بطوریکه عرایض و تلگرافات فدوی در آن وزارتخانه محترم بهترین دلیل می‌باشد. خدا را شاهد[می‌گیرم] خود و منسوبانم دقیقه ای از جان‌فشانی غفلت نداشتیم. البته در مقابل این همه زحمات انتظار قدردانی و تشویق از طرف اولیای امور داشتیم، ولی متأسفانه عاقبت معلوم گردید که خائن و سالم در نظر اولیای محترم بالسویه بوده، بلکه به عوض تشویق تنبیه میکنند. امنیه‌ها اشخاص سالم و مطیع را همواره تهدید و شکنجه میدهند. اخیراً که آقای سروان سعیدپور فرمانده امنیه خلخال برحسب تقاضای کاغذکنان برای پیدا کردن حبیب الله آقای حاجلی بیدقی و پسرش سیفعلی شوهر همشیره‌زاده فدوی تشریف آورده بودند، به جای اینکه خودشان حق نظامی داشته و دارای اسلحه می‌باشند، بایستی قاتل را خودشان پیدا کنند؛ اهالی را مورد فشار قرار داده از جمله فدوی و منسوبانم را بدون ذره ای علت و تحقیر توهین و زندانی نمودند. در صورتیکه ابراز این حرکات از یک شخص قانونی و نظامی هم استعباد دارد. اینک با نهایت تظلم عرض و دادخواهی نموده[ام] تفاضای رسیدگی فوری دارد. هرگاه صاحب کوچکترین تقصیری بوده باشم، استحقاق اعدام هستم. نه زندانی زندانی شدن فدوی در بین مردم و هم چشم از اعدام بدتر است واقعاً هرگاه در این موقع به عرایض دادخواهی فدوی رسیدگی نشود و علت از آقای سروان خواستار نشود، باعث نهایت ظلم و تزلزل روحیه مردمان وطن‌پرست خواهد شد. در هر حال منتظر نتیجه و جواب فدوی هستم. باقی امر، امر مبارک است. چاکر سلیمان اسعدنیان.

آدرس کاغذکنان اصلانیان

نویسنده: ابوالفضل

شماره دفتر نماینده: ۱۰۹۶۶

تاریخ نماینده: ۱۳۲۱/۶/۱۱

مجلس شورای ملی

اداره دبیرخانه

دایره

نشانی گیرنده: آستارا

روز فرستادن: ۱۳۲۱/۶/۱۱

آقایان زاهدی و حیدزاده و سایر دادخواهان

تلگراف که شما در شکایت از کمی قندوشکر و قماش مخابره نموده بودید، به وزارت دارائی مراجعه شد. اینک پاسخی رسیده است که رونوشت آن برای آگاهی لفا ارسال میشود.

رئیس مجلس شورای ملی

۲۱/۹/۱۵

تصدق خاک پای مبارکت بشوم . فدوی علی پیر خوشقدم، دارای شناسنامه شماره ۳۴۲۸۶ که در نتیجه ظلم اداره اقتصاد متضرر و دچار خسارت شده‌ام، شرح وضعیت را به حضور مبارک عرض و تقاضای ترحم را دارم.

مدتی است که از اداره اقتصادی شهرستان تبریز برای اهالی کوپن شکر میدهد، هر ماه شکر را به تأخیر انداخته به دکان‌ها عامل فروشان نمیدهد که پاره اشخاص فقراء و بی‌چیزان ماه به ماه برگ ماهیانه خودشان را از کوپن بریده در مقابل وجهی میفروشند و خریداران هم گناه داشته در وقتی که به عامل فروشان شکر دادند؛ همان بریده‌ها را برده جنس آنها را می‌گرفتند. اخیراً اداره اقتصاد روزی ۲۰ لنگه به مغازه آستارایی و ۳۰ لنگه به ۳ شعبه که مخصوص به اقتصاد بوده داد و میداد و ایشان هم در مقابل بریده‌ها میدادند و عده اشخاصی که شماره ۶ را خریداری کرده بودند به اداره استانداری شکایت کردند و میخواستند که تلگرافاً به مقامات عالی‌تر شکایت بکنند. از اداره استانداری مقرر نمودند که تحمل بکنید تا دو سه روزه قرار آگهی شما را معین میکنم. و اداره اقتصاد هم ما را که شماره ۶ موجود داشتیم به امروز فردا انداختند. آخر الامر آگهی داد که شماره ۶ از اعتبار ساقط گردید. این بیچاره هم مالیاتی قرض کرده شماره ۶ خریداری کرده بودم که کوپن دولتی است و از دولت جنس گرفته به سنجیدن نفر عائله خود یک لقمه نان فراهم خواهد کرد که در اینخصوص مظلوم واقع شدم و اداره اقتصاد هم ایراد میکند که بریده‌ها مال اطراف است و چون جنس اطراف کم و جنس تبریز بسیار است؛ بنابراین [به] تبریز آورده‌اند در صورتیکه تقصیر آن هم به ما مربوط نیست. اگر کوپن‌ها اطراف رضائیه اردبیل - جلفا علامتی داشت؛ این همه ظلم نمیشد و اگر چنانچه به شماره‌های بریده از اول نمیدادند ما هم خریداری نمی‌کردیم. چون که چندین ماه بود همه کس خریده و بریده‌ها را برده جنس می‌گرفت بنده هم با همان اطمینان خریده‌ام و حاضر اثبات بکنم که کوپن اطرافی نیست و در شهر از هر خانواده که خریده‌ام میتوانم صاحبان و یا شناسنامه‌های آنها را هم حاضر نمایم به هر صورت این قضیه باعث میشود که این بیچاره متضرر و مقروض شده و اعتبارم در بازار ساقط میشود. مظلومانه تقاضا دارم امر مقرر بفرمائید جنس ۱۲۰۰ برگ شماره ۶ بنده را از اداره اقتصاد مسترد و آسوده ام نمایند. دعاگو باشم - خوشقدم

علی پیرخوشقدم از تبریز شاکی است که اداره اقتصاد از دادن قند و شکر در مقابل کوپن‌های او خودداری نموده است
استدعای رسیدگی و حق‌گذاری دارم.

به عرض عالی میرساند: براینکه اینجانب لطفعلی ابراهیمی مجرد، صاحب هشت نفر عائله بوده[ام] و تمام دارائی‌ام از دست رفته است. خودم هم به واسطه پیروی و ناتوانی افتاده‌ام و فرزندم شادعلی ابراهیمی مجرد که یازده سال زحمت کشیده و تا کلاس پنجم متوسطه تحصیل نموده است؛ ناچاراً از تحصیل باز گذاشته با حقوق /۳۶۰ ریال به آموزگاری دبستان فردوسی نمین گذاشته‌ام و دخترم خانم‌آغا ابراهیمی مجرد با ماهیانه /۳۰۰ ریال حقوق آموزگار دبستان دختران نمین بود؛ با حقوق این دو نفر اولادم معاش خود را ترمیم و با عسرت و تنگدستی در این گرانی وضعیت هشت نفر عائله خود را اداره میکرد. ناصرالدین مبصری[مدیر] دبستان دختران نمین با صبیبه اینجانب خانم‌آغا ابراهیمی مجرد، عمل منافی عفت و نامشروع و در نتیجه نامبرده را حامله کرده است. چون تحمل برای طبقه مردم بتمام مشکلات زندگی فقط بواسطه حفظ ناموس و آبروست، مخصوصاً یک خانواده که سال‌های متمادی با حیثیت و غیرت زندگی نموده[اند] در اثر این عمل نامشروع ناصرالدین مبصری نامبرده لکه و توهین بزرگی به ناموس و شرافت خانواده ما زده[است] و باعث بدبختی صد نفر خانواده آبرومند شده است. توضیح اینکه خانم‌آغا نامبرده را ابتدا بواسطه اداره فرهنگ اردبیل به عنوان اینکه امور آموزش و پرورش را بلد نیست و بعد با دادن وعده‌های خوب و قسم یادکردن به قرآن و خدا که تو را عیال و ازدواج خواهم کرد، دختر ناقص‌العقل را با هزاران حيله برد دو مرتبه در دفتر دبستان(در یک محل آبرومند) به این عمل ناشایست راضی و حامله کرده است و در اثر این کار لطمه بزرگی به خانواده ما[وارد کرد] و کاملاً ما را بدبخت نموده است و چون ناصرالدین نامبرده جزء خوانین نمین و نصف اهالی نمین را خوانین تشکیل داده‌اند و با هم / مخصوصاً میرکاظم اسبقی بخشدار نمین اقوام دو طرفی مرتکب نامبرده(ناصرالدین مبصری) است جمعاً میخواهند جنایتکاربه این بزرگی را[رها] نمایند بطوریکه مبصری نامبرده را پس از دو روز زندانی در شهربانی نمین از زندان خارج نموده‌اند و مشغول کارش است ولی ما نمیتوانیم[کاری کنیم] و خجالت این عمل ناشایست مبصری از خانه بیرون شویم. لذا مراتب را به آن وزارت محترم و مقام منبع که دادرسی جمیع ستمدیدگان ایران میباشد، عرض و تظلم مینمایم که مرتکب را تا آخرین نقطه امکان تعقیب و به کیفر قانونی برسانید تا با خانواده خود، دعاگوی وجود ذیجودتان گردد.

محل مهر لطفعلی ابراهیمی مجرد – آدرس – نمین اردبیل

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی